



امامت تبلیغی



قسمت نوزدهم

مبانی رهبری در اسلام

ریشه های تحریف امامت

حجة الاسلام والمسلمین محمدی ری شهری

خود از حوادث تلخی که پس از او در تاریخ اسلام روی خواهد داد پیشگویی می کرد و توضیح می داد که در آینده قرآن و سلطان با هم فاصله می گیرند و زمامداران حاکم بر امت اسلام از قرآن جدا می شوند، وظیفه شما در چنین شرایطی این است که به هر سو قرآن حرکت کرد همراه آن حرکت کنید. در آینده امامانی بر شما حکومت می کنند که اگر از آنها اطاعت کنید شما را گمراه خواهند کرد و اگر علیه آنها عصیان کنید شما را می کشند!

اصحاب گفتند: یا رسول الله در چنین شرایط چه کنیم؟

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

«كونوا كأصحاب عیسی، نصبوا علی الحطب ونشروا بالمناشیر، موت فی طاعة خیر من حیاة فی معصية.»

مانند اصحاب عیسی عمل کنید، آنها را به دار زدند و با اژه بدنهایشان را قطعه قطعه کردند! که مرگ در اطاعت خدا بهتر از زندگی در نافرمانی اوست.

۲- ابو عطا روایت کرده که روزی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در حالی که آثار حزن و اندوه در چهره او نمایان بود بر ما وارد شد و فرمود:

چه می کنید شما در زمانی که به زودی بر شما سایه خواهد افکند؟! در شرایطی که حدود الهی تعطیل، ثروت مردم دست به دست سردمداران حکومت می گردد نسبت به دوستان خدا دشمنی می کنند و نسبت به دشمنان خدا دوستی می ورزند؟ گفتیم: شما به فرمائید اگر ما آن زمان را درک کردیم وظیفه چیست؟

پاسخ امام - نیز همان پاسخ پیامبر اسلام بود. فرمود:

«مانند اصحاب عیسی عمل کنید، بدن آنها را با اژه

قطعه قطعه کردند و بر جوبه دار آنها را به دار کشیدند! که

مرگ در اطاعت خدا بهتر از زندگی در معصیت اوست.»

۳- ابن عباس از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله روایت کرده:

تعارض با احادیث قیام

همان طور که در آغاز این مقال اشاره شد، محکوم کردن قیام قبل از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام - آن گونه که در روایات گذشته آمد علاوه بر این که خلاف حکم بدیهی عقل و مخالف قرآن و سیره امامان است، با مدلول صریح بخشی از احادیث اسلامی نیز تعارض دارد.

این احادیث را به سه دسته می توان تقسیم کرد: دسته اول: احادیثی که درباره وجوب قیام علیه امامان جائز در صورت امکان و تسلیم خواسته های نامشروع آنها تشدن در هر صورت وارد شده است، نمونه ای از این احادیث:

۱. روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برای جمعی از اصحاب

«سیکون امراء تعرفون وتكرون، فمن نابذهم نجا، ومن اعترلهم

سلم، ومن خالطهم هلك»^۲.

زامدارانی بر جامعه شما حکومت خواهند کرد که از شما می خواهند برخلاف آنچه از اسلام می دانید عمل کنید، پس هر کس که با آنها مخالفت و دشمنی کند نجات یابد، و هر کس از آنها کناره گیری نماید سالم می ماند، و هر کس با آنها آمیزش داشته باشد هلاک خواهد شد.

۴- صدیر صیقلی می گوید: وارد شدم بر امام صادق علیه السلام و به ایشان گفتم: شما چرا علیه حکومت وقت قیام نمی کنید، به خدا نشستن بر شما جایز نیست!

امام فرمود: چرا؟

گفتم: به دلیل کثرت دوستان و پیروان و یاران، به خدا اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه شما مرید داشت تیس و عدی در خلافت او طمع نمی کردند.

امام: صدیر! فکر می کنی من چقدر پیرو دارم؟

گفتم: یکصد هزار.

امام: یکصد هزار؟!

گفتم: آری شما یکصد هزار پیرو دارید!

مجدداً امام تأکید کرد که میگوئی من یکصد هزار پیرو دارم؟!

گفتم: آری، و نصف دنیا!

امام سکوت کرد، پس از گذشت لحظاتی فرمود: ممکن است همراه ما به پنج بیایی؟

گفتم: آری، در راه امام چشمش به پسر بچه ای افتاد که مشغول چرانیدن تعدادی بزغاله بود، با دیدن این منظره امام رو به من کرد و فرمود: صدیر! اگر من به عدد این بزها پیرو داشتم، نشستن بر من جایز نبود! از مرکب پیاده شدیم و نماز خواندیم. پس از نماز بزها را شمردم، عدد آنها هفده تا بود!^۱

۵- از امام باقر علیه السلام، روایت شده است که فرمود:

«إذا اجتمع للإمام عدة أهل بدر ثلاث مائة وثلاثة عشر وجب عليه القيام والتغير»^۲.

وقتی که امام به عدد رزمندگان جنگ بدر نیرو داشته باشد سیصد و سیزده نفر، قیام و دگرگون کردن نظام بر او واجب است.

دسته دوم: احادیثی که برخی از قیامهایی که در عصر امامان واقع شده را مورد تأیید قرار داده اند، مانند روایاتی که قیام زید بن علی بن الحسین علیهم السلام را تقدیس و یا قیام حسین بن علی شهید فتح را

تأیید می کنند.

امام صادق علیه السلام در روایتی که به سند صحیح از آن حضرت نقل شده ضمن محکوم کردن قیامهای نادرست معاصر خود می فرماید:

«لا تقولوا: خرج زيد، فإن زيدا كان عالما و كان صدوقاً، ولم يدعكم السى نفسه وانما دعاكم إلى الرضا من آل محمد، ولو نظر لوفى بما دعاكم إليه، أما خرج السى سلطان مجتمع لينفضه».

نگویید «اگر قیام در شرایط کنونی صحیح نیست» چرا زید قیام کرد! زیرا زید فردی دانشمند و راستگو بود و شما را برای به قدرت رسیدن خود دعوت به قیام نمی کرد، همانا او شما را به فردی که برای امامت لایق است از خاندان پیامبر دعوت می نمود و اگر پیروز می شد به وعده خود وفا می نمود و فلسفه قیام او درهم شکستن قدرت حاکم بود.^۱

امام رضا علیه السلام در باره شخصیت زید چنین فرموده:

«أنه كان من علماء آل محمد صلى الله عليه وآله غضب لله فجاهد أعدائه حتى قتل في سبيله...».

او از علماء آل محمد صلی الله علیه وآله بود برای خدا خشم کرد و با دشمنان خدا جنگید و در راه خدا کشته شد پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام برای من روایت کرد که از پدرش جعفر بن محمد علیهما السلام شنیده که می فرمود: خدا رحمت کند عمویم زید را او مردم را برای رهبری کسی دعوت می کرد که خاندان رسالت او را شایسته امامت می دانستند و اگر پیروزی می شد به وعده خود وفا می کرد.^۲

در روایت دیگری آمده است که نزد امام صادق علیه السلام سخن از قیام کنندگان خاندان رسالت به میان آمد، حضرت فرمود:

«لا زال أنا وشيعتى بخير ما خرج الخارجي من آل محمد ولوددت أن الخارجي من آل محمد خرج وعلى نفقة عاله»^۱. مادامی که قیام کنندگان خاندان رسالت قیام کنند، من و پیروانم در خیر و صلاح هستیم. و من دوست دارم افرادی از این خاندان قیام کنند و مخارج خانواده آنها را تأمین نمایم.

از این روایات دو نکته مهم قابل استفاده است:

۱- مقصود از روایاتی که قیام قبل از قیام قائم آل محمد صلوات الله علیه را تخطئه می کنند، قیامهایی است که با انگیزه های نفسانی صورت گرفته است.

۲- برای مشروعیت قیام، لازم نیست که قیام کننده بداند حتماً موفق به تشکیل حکومت حق خواهد شد بلکه مجرد شکستن صولت و

تضعیف قدرت زمامداران جانر و یا مشغول ساختن آنها از رهبری واقعی قیام برای اثبات مشروعیت و ضرورت آن کافی است.

دسته سوم: از احادیث معارض، روایاتی است که از وقوع قیامی قبل از قیام ولی عصر ارواحنا فداء پیشگویی کرده که به موقبت می انجامد و مقدمه قیام آن حضرت و جهانی شدن اسلام است. در این رابطه ما به دور روایت اشاره می کنیم:

۱- از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

«يُخْرِجُ قَوْمٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِلْمُهَدِيِّ سُلْطَانَهُ»^۱.

مردمی که از شرق قیام می کنند و زمین را برای حکومت جهانی مهدی فراهم می سازند.

۲- از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«كَانَ قَوْمٌ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِوْفَهُمْ عَلَى عَرَاقِهِمْ فَيَعْتَظُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَسْتَلُونَهُ حَتَّى يَفْجَرُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، فَتَلَاهُمْ شَهَادَةَ، أَمَا أَنْتَ لَوْ أَدْرَكْتَ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»^۲.

گویی می بینم که مردمی در شرق قیام کرده اند حق را طلب می کنند ولی «مردمداران حکومت» به آنها نمی دهند، پس از مدتی دوباره حق را می طلبند، این بار نیز «رژیم حاکم» از دادن حق به آنها امتناع می ورزند، ولی در این دفعه مردم

شمشیرهای خود را بر شاهانه ها می نهند سردمداران حکومت که خود را در برابر قیام گسترده ملت مشاهده می کنند و تاب مقاومت در خود نمی بینند. تسلیم خواسته های آنان میگردند ولی این بار مردم نمی پذیرند که دیگر خواستار تغییر رژیم هستند تا بالاخره موفق به قیام نهائی. و ماسق کردن رژیم حاکم و تشکیل حکومت می گردند و این حکومت را جز به صاحب شما یعنی الله الاعظم تحویل نخواهند داد، کشته های آنان شهیدند، آگاه باشید که اگر من شخصاً آن زمان را درک کنم، خود را برای زیارت صاحب الامر ابقاء می نمایم.

ادامه دارد

- ۱- کنز العمال حدیث ۱۰۸۱.
- ۲- نهج السعادة- جلد ۲ صفحه ۶۳۹.
- ۳- الجامع الصغير- ج ۲ ص ۶۴ ح ۴۷۸۱.
- ۴- این جمله ممکن است اشاره باشد به آنچه در برخی از روایات دیگر آمده که «استكون عليكم امراء من بعدي بامرؤنكم بما لا تعرفون ويعملون بما لا تتكرونها».
- ۵- اصول کافی- جلد ۲ ص ۲۴۴.
- ۶- بحار الانوار- جلد ۱۰ ص ۴۹.
- ۷- وسائل الشیعه، جلد ۱۱ صفحه ۳۶.
- ۸- وسائل الشیعه، جلد ۱۱ صفحه ۳۹.
- ۹- سفی این ماجه- ج ۲ صفحه ۱۳۶۸ / کنز العمال- حدیث ۳۸۶۵۷.
- ۱۰- کتاب الفهرست تألیف محدث قرن سوم هجری علامه نعمانی.

بقیه از امام خمینی و انتخابات

کی آدم تا صالح»

به هر حال، آنچه که بصورتی کلی می توان در این زمینه مطرح کرد اینکه هیچ حرکتی و هیچ سیاست و برنامه ای بدون حضور و مشارکت واقعی مردم موفقیتی در پی نخواهد داشت فلذا ونسیفه و تکلیفی که بر گردن مسئولین قرار دارد، بوجود آوردن جو قضایی سالم برای حضور هر چه بیشتر مردم در صحنه های مختلف نظام و انقلاب خصوصاً انتخابات می باشد.

به فرموده امام:

«باید مردم را برای انتخابات آزاد گذاریم و نباید کاری بکنیم که فردی بر مردم تحمیل شود. بحمد الله مردم ما دارای رشد دینی- سیاسی مطلوب می باشد و خود، افراد متدین و درد مستضعفان چشیده و آگاه به مسائل دینی- سیاسی و همگام با محرومین را انتخاب خواهند کرد».

(۶۶/۴/۱۰)

به این ترتیب اصلی ترین کار، زمینه سازی حضور هر چه بیشتر مردم در صحنه انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی است.

ادامه دارد

را مطرح می نمایند. که تصویری بجز شکل گیری پیک کشور لائیک را در پیش روی قضاوت کنندگان منصف باقی نمی گذارد! در این میان آنچه مظلوم واقع می گردد اصل مطرح شده توسط امام، و بنیادین است که حزب الله و پیروان راستین خط امام در پی تحقق آن می باشند.

از دیدگاه حضرت امام(س)، مردم دارای رشد سیاسی بالائی هستند و این را بارها مورد تأکید قرار داده اند:

«جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده اند مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلاح را دارند».

(۶۷/۴/۱۱)

«یک انتخابات صحیحی بشود با همت ملت، ملت می شناسد افراد صالح را، لازم نیست که حالا یک چند سال هم ما درشان بدهیم، نخیر خودشان می فهمند. این ملت چیز می فهمد، می فهمد کی آدم صالح است